

به نام خدا

• جزوه زبان فارسی

مدرس: دکتر عفت سادات غفوری

جلسه اول: کلیات ادبی

ادبیات چیست؟

- مفهوم اخلاقی - تعریف - اقسام - کاربرد

۱- در نزد پیشینیان مفهوم اخلاقی داشته چنانچه گفته اند: ادب شناختن اموری است که آدمی به وسیله‌ی آن خود را از هر نوع خطایی حفظ کند

۲- بدها ادب به دانشی اطلاق می‌شد که آدمیان بدان خود را از خطا در سخن حفظ کند

۳- اقسام مختلف صرف و نحو، معانی و بیان، بدیع، قافیه، خط، قرائت، انشا و ...

۴- ادیب کسی که با اسلوب‌های والای سخن آشنا باشد

کاربردهای ادبیات

کاربردهای ادبیات و تعریف آن

- مجموعه نوشته ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشته علمی یا حرفه‌ی خاص مقبولیت و تداول می‌یابد ⇨ به معنی آداب و سلوک رایج در این مقولات .
 - همه آثار مکتوب و به طور کلی هر نوشته‌ای که به تاریخ تمدن بشری متعلق باشد ⇨ متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پزشکی و فلسفی گذشته
 - نوشته‌های والایی که بلندترین و بهترین اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین و بهترین صورت بیان می‌کند ⇨ شامل ادبیات شفاهی نمی‌شود
- تعریف:** ادبیات کلامی زیبا، دارای اسلوب والا که خیال‌انگیز و عاطفی نیز هست .

رابطه زبان و ادبیات- تعریف زبان- ماده ادبیات

- ادبیات یکی از اقسام هنر است و ماده ادبیات نیز زبان است.
- زبان دستگاهی است از نشانه های اختیاری و قراردادی که برای ارتباط انسانی به کار می رود.
- تفاوت ماده ادبیات با ماده دیگر هنرها: اینکه زبان خارج از ادبیات دارای ساختار و نظام است.
- تفاوت عمده زبان و ادبیات در هدف آن دو است.

برخی از تفاوت های زبان و ادبیات

- نشانه های زبان تک معنایند؛ اما نشانه های ادبی چند معنایند
- زبان از نشانه های قاموسی بهره می برد؛ ولی ادبیات نشانه ها را در معنای دیگر به کار می گیرد.
- گزاره های زبانی صدق و کذب پذیرند؛ اما گزاره های ادبیات کذب تخیلی و شعری هستند
- در زبان عادی پیام مستقیم و روشن است؛ ولی در زبان ادبی پیام مبهم و غیرمستقیم بیان می شود.
- زبان عادی کاربردی و صریح است؛ اما زبان ادبی عاطفی و خیالی و مبهم

جلسه دوم: سبک شناسی

تعریف-انواع-تقسیم بندی-تحلیل

سبک: طرز رفتار خاص هر نویسنده یا شاعر

سبک ادبی: روش خاص هر فرد در بیان اندیشه ها، عواطف و احساسات خویش

دانش سبک شناسی: علم یا نظامی است که به بررسی ماهیت و ویژگی های آن در اشخاص و آثار می پردازد

در نتیجه: در اثر شناخت سبک، خوی و خصلت روانی ، اخلاقی، اندیشگانی افراد و گروه های اجتماعی و ملل را می توان شناخت.

انواع سبک

- سبک شخصی: سبک خاص هر فرد. مانند سبک سعدی ، سبک حافظ و ...
- سبک دوره ای: شیوه ای که در یک دوره ای خاص رواج می یابد و اغلب افراد تابع آن هستند. مانند سبک خراسانی، هندی و ...

مقولات هفتگانه برای طبقه بندی و نامگذاری سبک ها. (نظریه ارسطو)

- ۱- بر اساس نام آفریننده‌ی اثر: گاه قدرت تأثیر شاعر یا نویسنده بر دیگران بسیار زیاد است و سبک او مورد تقلید دیگران قرار می‌گیرد: سبک سعد، خیام و ...
- ۲- نام سبک از دوره یا زمان آفرینش آن گرفته می‌شود: سبک مشروطه، سلجوقی
- ۳- نام سبک را از موضوع سخن می‌گیرند: سبک فلسفی، حماسی
- ۴- نام سبک از محیط جغرافیایی گرفته می‌شود
- ۵- نام سبک از نوع زبان به کار رفته در اثر اخذ می‌شود: سبک آلمانی، فرانسوی، گفتاری، کهن گرا
- ۶- سبک را بر اساس نوع مخاطبان آن نامگذاری می‌کنند: سبک درباری، روستایی، عامیانه و ...
- ۷- نام سبک را از هدف مؤلف می‌گیرند: سبک مردم فریب، ارشادی، نیش دار

روش تحلیل سبک ادبی

- در سه سطح : زبان، شگردهای هنری سخن، واحدهای فکری
- مورد تحلیل سه عنصر: آوا، کلمه و جمله
- تناسب آواها و روابط میان آن ها، کیفیت واژگان، ساخت لفظی و معنایی، نحو جملات در این مرحله مورد بحث گذاشته می شود

سبک های شعر فارسی (دوره ای)

- سبک خراسانی (قرن ۶-۴)

ویژگی زبانی: زبانی ساده، طبیعی، روان، زبان مادری شاعران، لغات فارسی اصیل

نکته: یکی از دلایل دشواری زبان سبک خراسانی برای خواننده معاصر، ورود لهجه های خراسان قدیم به شعر این دوره است.

ویژگی فکری: شعری واقع گرا، شاد و پرنشاط است. دلیل شاد بودن شعر این دوره ۱- روحیه ایرانیان کهن روحیه شاد بوده است ۲- رفاه سیاسی و اقتصادی شاعران ۳- دریافت جایزه از دربار

سبک خراسانی (قرن ۶-۴)

ویژگی ادبی: قالب اصلی شعر این دوره قصیده است. علاوه بر قصیده رباعی و مثنوی نیز رایج است. شاعران از آرایه های ادبی ساده و طبیعی استفاده می کردند. توصیفات کاربرد زیادی داشت، علاوه بر این ردیف و قافیه نیز ساده است.

قالب قصیده: قصیده قالبی است که مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه است و تعداد ابیات آن از غزل بیشتر است.

ساختار قالب قصیده

- مقدمه قصیده: چند بیت اول که شاعر به توصیف طبیعت، شور و نشاط جوانی و توصیف فصل‌ها می‌پردازد. نام دیگر آن تغزل یا تشبیب
- تخلص: شاعر نام فردی که در تنه اصلی از او صحبت می‌کند می‌آورد
- تنه اصلی: شاعر در این ابیات به مدح و ستایش ممدوح خودش می‌پردازد
- دعای تأبید یا شریطه: شاعر در این ابیات در حق ممدوحش دعا می‌کند

سبک عراقی (قرن ۱۰-۷)

ویژگی زبانی: با ورود عرب ها به ایران و حملات بیگانگان، کلمات عربی و ترکی وارد شعر اینن دوره می شود، استفاده از لغات فارسی اصیل کم می شود.

ویژگی فکری: شعری غیر واقع گرا و محزون، مباحث تخصصی عرفان وارد شعر می شود و شاعران احساسات خود را در قالب شعر بیان می کنند

ویژگی ادبی: قالب اصلی غزل است. شاعران از آرایه های زیادی در شعر بهره می گیرند، نیز اصطلاحات علوم مختلف در شعر وارد می شود علاوه بر این از ردیف و قافیه های اسمی در شعر استفاده می شود.

ساختار غزل و تفاوت آن با قصیده

غزل قالبی است که مصراع اول با مصراع های زوج هم قافیه است و تعداد ابیات آن کمتر از قصیده است و بیشتر موضوعات احساسی در غزل دیده می شود و تفاوت آن با قصیده : ۱ در تعداد ابیات ۲ در موضوع ۳ در تخلص

تخلص در قصیده حکم یک رابط را دارد و مقدمه را به تنه‌ی اصلی متصل می کند ولی تخلص در غزل در پایان شعر شاعر نام خود را می آورد و شعرش را به پایان می رساند و نامش مهر تأییدی است بر شعرش

جلسه سوم: سبک هندی

• عوامل پیدایش سبک هندی

- ۱- مذهب
- ۲- سفر به هند
- ۳- توسعهٔ اصفهان
- ۴- رفاه اقتصادی

سبک هندی

ویژگی زبانی: از آنجا که دربار ایران به شاعران روی خوش نشان نمی داد، قصیده سرایی و سرودن خاصه مدیحه از رونق افتاد و همین موضوع امر باعث می شد که شعر از دربار خارج شود و به دست مردم و طبقات مختلف بیفتد. و این عامل باعث شد زبان کوچه و بازار وارد شعر شود و دایره واژگان گسترده شود تا جایی که برخی معتقدند زبان سبک هندی زبان فارسی جدید است.

ویژگی فکری: شعری مضمون گراست، عقاید و افکار و آداب رسوم هندی ها در شعر وارد می شود

ویژگی ادبی: قالب شعر در سبک هندی غزل است، اما شاعر خلاقیت خود را در محدوده یک بیت اجرا می کند. غزل سبک هندی مجموعه ای است از تکبیت های مستقل که با رشته قافیه و ردیف به هم پیوسته شده است. نازک کاری و مضمون بندی و معنی تراشی شاعر در محدوده یک بیت کامل می شود و شاعر در خلق «معنی بیگانه» باید تمام هنر خود را در یک مصرع یا بیت اجرا کند؛ بنابراین ابیات غزل ارتباط معنایی استواری با هم ندارند. آرایه تشبیه و تمثیل و اسلوب معادله پر کاربردترین آرایه محسوب می شود

تفاوت غزل سبک عراقی و هندی

در غزل سبک عراقی شاعر یک موضوع را انتخاب می کند و از ابتدا تا انتهای غزل به همان یک موضوع می پردازد بنابراین انسجام معنایی در محور عمودی شعر دیده می شود؛ در حالی که در غزل سبک هندی هر بیت غزل به یک مضمونی می پردازد و انسجام معنایی در محور عمودی شعر دیده نمی شود و تنها زنجیره‌ی قافیه است که ابیات را به یکدیگر متصل کرده است.

سبک بازگشت

بازگشت ادبی " به نهضتی اطلاق می‌شود که از نیمه‌ی دوم قرن دوازدهم تا اوایل قرن چهاردهم هجری قمری، فضای ادبی ایران را تحت تأثیر قرار داد. اگر چه این نهضت در فاصله‌ی زمانی ۵۰ ساله‌ی خود که از پایان حکومت نادرشاه افشار تا پایان حکومت ناصرالدین‌شاه افشار را در برمی‌گیرد، در تاریخ ادبیات فارسی فصل ممتاز و ویژه‌ای نیست، اما بی‌تأثیر هم نبوده است.

رفته رفته شعر و ادبیات از انحصار دربار خارج شد و در میان مردم کوچه و بازار رواج یافت. درباره‌ی رواج شعر و ادبیات در میان مردم لازم است به مطلب مهمی اشاره بشود. در زمان یورش افغانان به ایران و پایان یافتن حکومت افشاریان، کتابخانه‌های مهمی همچون کتابخانه‌ی اصفهان به وسیله‌ی این مهاجمان به غارت برده شد این کتاب‌ها و نیز کتب دیگری که در حمله‌ی نادر به دهلی وارد ایران شده بود، پس از انقراض افغانه و نادریه به دست مردم افتاد بیشتر این آثار یا در شیراز به فروش رسید و یا در خراسان وقف آستانه‌ی رضوی گردید. انتشار این کتاب‌ها در میان مردم به‌ویژه در شیراز، در تربیت و پرورش اهل علم و ادب مؤثر واقع شد. پس از مدتی، نازک‌اندیشی، افراط در خیال‌پردازی و اصرار بر صنعت‌گری‌های زبانی، سبک هندي را به سبکی گنگ و پیچیده تبدیل و آن را به نوعی ابتذال گرفتار کرد. در اواخر عهد صفوی این سبک ادبی از رونق افتاد. در دوره‌ی بعد نیز جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پی‌درپی نادرشاه و اوضاع آشفته‌ی مملکت در زمان او و جانشینانش، شعر و به‌طور کلی هنر را در حالت فترت و سستی قرار داد. کریم‌خان زند نیز نتوانست در زمینه‌ی هنر و فرهنگ گام مؤثری بردارد با این حال، پایه‌های مکتب بازگشت در همین دوره در حال پیریزی بود.

سبک بازگشت

- **ویژگی زبانی:** زبان شعر دوره مذکور عموماً تتبع و تقلیدی از شعر دوره عراقی و خراسانی است. اما با مطالعه آثار شعرای این دوره در می‌یابیم که شعرای بازگشت، آن چنان که باید، تسلط کامل بر قواعد صرفی و نحوی و سایر موارد دیگر زبان شعر دوره‌های گذشته (عراقی - خراسانی) ندارند، بدین سبب زبان شعر آنان خام و ابتدایی است.

- **ویژگی فکری:** ویژگی‌های شعر سبک خراسانی و عراقی

- **ویژگی ادبی:** شاعران این دوره طبع خود را در همه‌ی قالب‌ها می‌آموزند اما قصیده و غزل بیشتر مورد پسند واقع می‌شد. این نکته قابل ذکر است که غزل‌سرایان و قصیده‌سرایان به‌طور جداگانه فعالیت نمی‌کردند؛ یعنی برخی از شعرا غزل‌سرا و برخی قصیده‌سرا نبودند، بلکه هر شاعری می‌کوشید در هر دو زمینه به فعالیت بپردازد و به اقتضای شعری که می‌سرود از سبک‌های مختلف و قالب‌های متفاوت بهره می‌جستند.

سبک معاصر

شعر نیمایی سبکی از شعر معاصر فارسی است که نخستین نمونه شعر نو در ادبیات فارسی بوده و برآمده از نظریه ادبی نیما یوشیج شاعر معاصر ایرانی است. تحولی که نیما انجام داد در دو حوزه فرم و محتوای شعر کلاسیک فارسی بود. با انتشار شعر افسانه نیما مانیفست شعر نو را مطرح کرد که تفاوت بزرگ محتوایی با شعر سنتی ایران داشت. افسانه، تحولی بزرگ باتوجه به مقدمه کوتاهی که خود نیما بر این شعر نوشته است.

جلسه چهارم: شرح و توضیح غزل اول دفتر از سعدی

اول دفتر به نام ایزد دانا / صانع پروردگار ، حی توانا

آغاز دفتر به نام خداوندی که آفریننده پرورانده و دانای همواره زنده و لایزال است . [دفتر = کتاب و دیوان . صانع = نامی از نامهای خداوند متعال ، آفریننده . حی = نامی از نامهای خداوند متعال ، زنده همیشه . ایزد = در دین زرتشتی به معنی فرشته و در زبان فارسی دری به معنی خدا و آفریدگار است]

اکبر و اعظم ، خدای عالم و آدم / صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

به نام خداوندی مهتر و بزرگوarter ، آفریدگار گیتی و انسان ، که بیرون و ظاهر را پسندیده و درون و باطن را نیکو آفرید . [اکبر = مهتر و بزرگتر . اعظم = بزرگوarter]

از در بخشندگی و بنده نوازی / مرغ ، هوا را نصیب و ماهی ، دریا

از رهگذر داد و دهش خویش ، بهره و نصیب مرغ هوا و ماهی دریا را می رساند . [از در = از راه ، از طریق] نیز می توان بدین گونه معنی کرد، خداوند از اینکه پرنده را در آسمان و ماهی را در دریا آفریده برای این بوده است که بندگان را مورد لطف و بخشش خود قرار دهد.

شرح غزل اول دفتر

قسمتِ خود می خورند مُنعم و درویش / روزیِ خود می بَرند پشه و عنقا

توانگر و درویش ، هر یک به بهره خویش دست می یازند و پشه ، ناتوان ترین حشره و عنقا ، تندپروازترین و قدرت مندترین پرنده ، هر کدام رزق مقسوم خود را می خورند . یعنی روزی مقدر است . [قسمت = بهره و نصیب . منعم = مال دار و توانگر . درویش = فقیر و تهی دست . عنقا = سیمرغ ، پرنده ای است افسانه ای که در داستانهای ملی ایران بر کوه البرز می زیست ولی برخی متون محل آن را کوه قاف نوشته اند (فرهنگ اشارات)

حاجتِ موری به علم غیب بداند / در بُن چاهی به زیر صخره صمّا

خداوند از طریق آگاهی بر نهانی ها ، بر نیاز موری که در قعر چاهی و در زیر صخره ای سخت و درشت زندگی می کند ، آگاهی دارد . [علم غیب = علم پنهان ، علمی که از مردم پنهان باشد / صخره صمّا = سنگ بزرگ سخت]

جانور از نطفه می کند ، شکر از نی / برگِ تر از چوبِ خشک و ، چشمه ز خارا

او با توانایی خویش نطفه را به موجودی زنده تبدیل می کند و از نی ، شکر می آفریند و بر چوب خشک درختان برگ تر و تازه می رویاند . [کردن = آفریدن / تر = تازه و سرسبز / خارا = نوعی سنگِ سخت و سیاه که مظهر سرسختی و نفوذناپذیری است]

اشاره است به چشمه هایی که با ضربات عصای موسی بر سنگ خارا جوشیدن گرفت .

شرح غزل اول دفتر

شربتِ نوش آفرید از مگسِ نحل / نخلِ تناور کند ز دانه خرما

زنبور عسل را به ایجاد عسل شیرین وامی دارد و دانه کوچک خرما را به نخلی تنومند مبدل می سازد . [نوش = شهد و عسل و کلا هر چیز شیرین / مگسِ نحل = زنبور عسل / تناور = تنومند و قوی چته]

نحل و نخل: جناس ناقص اختلافی

از همگان بی نیاز و بر همه مشفق / از همه عالم نهان و بر همه پیدا

خداوند به هیچ آفریده ای نیازمند نیست و بر همگان دل می سوزاند . در عین پنهان بودن از دید آدمیان ، در دلِ همگان حضور دارد . [مشفق = مهربان و خیرخواه]

پرتو نور سُرَادِقَاتِ جلالش / از عظمت ، ماورای فکرتِ دانا

تاب و روشنایی سرافرده بزرگی او ، آنچنان سترگ و خیره کننده است که اندیشه دانایان بدان راه نمی یابد و درک ، آن را بر نمی تابد . [پرتو = فروغ و روشنایی / سُرَادِقَات = سراپرده ها ، خیمه ها / جلال = بزرگی و شکوه]

شرح غزل اول دفتر

خود نه زبان در دهانِ عارفِ مدهوش / حمد و ثنا می کند ، که موی ، بر اعضا
تنها زبانِ عارفِ سرگشته و حیران نیست که او را می ستاید بلکه هر مویی که بر عضوی رُسته ،
زبانی است برای ستایش او . [عارف = دانا و شناسنده / مدهوش = مست و بی خود ، سرگشته و
حیران / که = حرف ربط است ، بلکه]

هر که نداند سپاسِ نعمتِ امروز / حیف خورد بر نصیبِ رحمتِ فردا

هر کس سپاسگزار نعمتِ دنیایی خویش نباشد . از بهره های اخروی بی نصیب می ماند و بر بی
بهرگی خویش حسرت خواهد خورد . [حیف خوردن = دریغ و افسوس خوردن]

بار خدایا مهیمنی و مُدبّر / وز همه عیبی مقدّس و مُبرّا

پروردگارا ، تو آدمیان را از ترس در امان می داری و چاره گر و کارساز امور ایشان هستی . از
تمام نقص ها منزهی و تهمت کاستی بر تو روا نیست . [بار = کوتاه شده باری ، به معنی بزرگی
و رفعت و شوکت باشد که به خداوند عالم نسبت کنند ، آفریننده ، خالق (فرهنگ معین / بار خدایا
= ای خدای بزرگ / مهیمن = نامی از نامهای خداوند متعال ، ایمن کننده از خوف ، مهربان / مدبر
= صاحب تدبیر ، چاره گر و کارساز / مقدس = پاک و منزّه / مُبرّا = پاک و دور شده]

شرح غزل اول دفتر

ما نتوانیم حق حمدِ تو گفتن / با همه کَرّ و بیانِ عالمِ بالا

خدایا ، ما به اتفاق تمام فرشتگان مقرب جهان برین توانایی آن را نداریم که تو را آنچنان که در خور توست ، سپاس گوئیم . [کَرّ و بیان = جمع کروی ، فرشتگان مقرب]

سعدی از آنجا که فهمِ اوست سخن گفت / ورنه کمال تو ، وهم کی رسد آنجا ؟

سعدی به قدر فهم خود در باب تو سخن گفت . و گرنه حتی نیروی واهمه بشری هم قادر به درک کمال تو نیست . [وهم = خیال و قوه ادراک]

استفهام انکاری: زمانی که شاعر پرسشی را در شعر مطرح می کند و از خواننده انتظار شنیدن جواب منفی را دارد.

جلسه پنجم: انواع نثر

نثر در لغت به معنای پراکندن و پراکندگی است و در اصطلاح ادبی به سخنی اطلاق می‌شود که به رعایت وزن و قافیه پای‌بند نیست. در مقابل نظم، حالت نثر به سبک گفتاری روزمره نزدیکتر می‌باشد. کاربرد نثر بیشتر در توضیح واقعیات و بحث در مورد اندیشه‌ها و نظرات است. در رسانه‌ها، فیلم‌ها، فلسفه، نمایشنامه، تاریخ، زندگینامه، نامه‌نگاری، مقاله‌نویسی نشریات و دانشنامه‌ها بیشتر از نثر بهره می‌گیرند.

نثر را بر پایه شکل نوشتاری به گونه‌های زیر تقسیم می‌کنند:

نثر مرسل

• نثر مُرسل

نوشته‌ای است ساده و از پیرایه‌ها و آرایش‌های ادبی خالی است. در حقیقت، نثر مرسل ساده‌ترین وسیله برای بیان مقاصد نویسندگان است. نخستین نوشته‌های بازمانده فارسی بعد از اسلام تا آخر قرن پنجم هجری، بجز نوشته‌های فارسی خواجه عبدالله انصاری، همه به نثر مرسل است. تاریخ بیهقی، با آن که از نظر میزان اصطلاحات و لغات، اندکی از نثرهایی شبیه تاریخ بلعمی دشوارتر است، اما هر دو نثر مرسل محسوب می‌شوند. امروزه تقریباً تمامی آثار روزنامه‌ای، مقالات و کتب علمی و درسی به صورت نثر مرسل است.

نثر مرسل

نثر مرسل یا ساده نوشته‌ای است که از صنایع لفظی و معنوی و سجع عاری باشد. در این نوع از نثر، نویسندگان مقاصد خود را در کمال سادگی و بی‌پیرایگی می‌نویسند و از استعمال کلمات و عبارات هماهنگ و واژه‌ها و اصطلاحات مهجور اجتناب می‌کنند. نمونه‌های فراوانی از نثر مرسل و ساده را در آثار دوره اول نثر فارسی (قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم)، همچنین در اغلب نوشته‌های نویسندگان معاصر می‌توان یافت. نثری را گویند که سجع نداشته باشد و کلمات آن آزاد و خالی از قید خاص باشند. نوشته‌های معمولی و از جمله کتبی چون **سفرنامه ناصر خسرو** و **کیمیای سعادت** و **تاریخ بیهقی** و **اسرار التوحید** و **تذکره الاولیاء** همه نثر مرسل‌اند.

نثر مسجع

به نثری گفته می شود که در آن جمله های قرینه دارای سجع باشند؛ سجع در نثر مانند قافیه است در شعر.

سجع در لغت به معنی « آواز پرندگان» است به ویژه « آواز کبوتر و فاخته ».

در اصطلاح ادبا آوردن کلمات هموزن یا هم قافیه یا هم وزن و هم قافیه را در انتهای جملات قرینه سجع گویند.

به عبارت دیگر سجع آن است که کلمات آخر قرینه ها در وزن یا آخرین حرف اصلی (حرف روی) یا هر دو موافق باشند.

جملات قرینه : به دو یا چند جمله ای که در پایان آنها کلمات سجع آورده می شود جمله های قرینه می گویند. چنانکه گذشت هر نوشته ای که در آن سجع به کار رفته باشد مسجع نام دارد؛ مانند:

نمونه نثر مسجع

طالب دنیا رنجور است و طالب عقبی مزدور است و طالب مولی
مسرور است.

بنده ی آنی که در بند آنی
هرچه نیاید دل بستگی نشاید.

کتاب های نوشته شده به این نثر: **الهی نامه‌ی خواجه عبدالله انصاری و**
گلستان سعدی

نثر مصنوع و متکلف

- این نثر آبا انبوه لغات و ترکیبات و امثال و اشعار عربی و احادیث نبوی و آیات قرآنی همراه است و متضمن اصطلاحات و تعبیرات خاص علوم رایج زمان است.
- در این نوع نثر از صنعت های لفظی و معنوی مانند بدیع و بیان، اطناب، تناسب اللفظی انواع سجع و جناس، تضاد و تقابل، اقتباس ها و تلمیح ها، تشبیه ها، مجازها و استعاره استفاده می شود.
- خصوصیت دیگری که از ویژگی های معنوی نثر فنی محسوب می شود، وجود عناصر اغراض و معانی شعر در آن است. اگر عنصر خیال را از عناصر سازنده و مهم شعر می شناسیم، بدیهی است که صور خیال آن به وسیله ی همین تشبیه ها و تلمیح ها و مجازها و استعاره ها رنگ و شکل می گیرد و قابل تجسم می شود که در نثر فنی از این عوامل به فراوانی استفاده می شود.
- نخستین نمونه های نثر مصنوع و فنی، مربوط به اواسط قرن ششم هجری است و از آن زمان تا دوران مشروطیت کمابیش رواج داشته است.
- بهترین و هنرمندانه ترین نمونه ها مربوط به قرن ششم و هفتم است.
- **کلیده و دمنه، راحة الصدور راوندی و جهانگشای جوینی** به نثر فنی نوشته شده است.